



پروژیکٹ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مقدمه

یکی از احکام پرچالش اسلام، حکم جواز چندهمسری است. اگر چه این حکم از دید بیشتر مسلمانان از احکام ثابت اسلام و حتی قرآن شمرده می‌شود، اما در بین پژوهشگران علوم دینی چنین نیست و هنوز پرسش‌های زیادی ذهن آنان را آزار می‌دهد. آیه‌ای که به صراحت به موضوع چندهمسری پرداخته و به عنوان مجوز قرآنی چندهمسری به آن استناد می‌شود، آیه سوم سوره نساء است. مشکلی که در فهم آیه سوم سوره نساء وجود دارد، این است که ابتدای آیه سخن از یتیمان است و در ادامه آن از جواز چندهمسری، آن هم تا چهار همسر، سخن به میان آمده است. ناهماهنگی ابتدا و ادامه آیه تا اندازه‌ای است که برخی به روایتی منسوب به حضرت علی (ع) استناد نموده و گفته‌اند: میان اول و آخر آیه، یک سوم از قرآن بوده و از بین رفته است (ر.ک. طیب حسینی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۱). این ناهماهنگی سبب شده است که یافتن ارتباط میان شرط *وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى* و جزای *فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَتْنِ وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ* در سومین آیه از سوره نساء از چالش‌های مهم تفسیری به شمار آید.

در این مقاله، با کنار هم قرار دادن آیات ۱۲۷ و ۳ سوره نساء، توجه به نزول تدریجی قرآن و تمرکز بر ارتباط مفهومی و مضمونی این دو آیه، از وجود ارتباطی بین آیات ۱۲۷ و ۳ سخن به میان آمده است که می‌تواند مشکل نبودن ارتباط بین شرط و جزای آیه ۳ را با لفظ خود قرآن برطرف نماید. بدین منظور، پس از بیان اصولی که نگارنده برای فهم قرآن به آنها پایبند است، ابتدا فهم خود از آیه سوم سوره نساء و ارتباط بین شرط و جزای آن را بیان نموده است. سپس، برای محکم‌تر شدن استدلال، نظریه پژوهشگرانی که حکم چندهمسری را محدود به ازدواج با مادران یتیمان

می‌دانند، همچنین کلیت نظریات رایج تفسیری شیعه و سنی، با روش تفسیری نویسنده نقد شده است.

به عنوان یک ایراد کلی می‌توان گفت: در نظریات رایج تفسیری شیعه و سنی، و حتی نظریات جدیدی همچون سلطانی‌رنانی که چندهمسری را محدود به ازدواج با مادران یتیمان می‌دانند، این آیه به صورتی فهمیده شده است که در احکام و قوانین کنونی چندهمسری، اثری از شرط *وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى* در آیه ۳ سوره نساء، دیده نمی‌شود. به دیگر سخن، در متن قرآن برای چندهمسری شرطی بیان شده است که این شرط در قوانین و احکام کنونی چندهمسری نادیده گرفته شده است.

با توجه به جدید بودن روش تفسیری مقاله، توجه به نکات زیر مفید خواهد بود:
الف: از آنجا که صاحب این قلم به قرآن به عنوان یک متن منسجم، دارای نظم شبکه‌ای و فراعصری می‌نگرد، لازم است هنگام مطالعه نظریات نویسنده، هیچ پیش‌فرضی درباره موضوع چندهمسری اعمال نشود و به قرآن، فقط به عنوان یک متن نگریسته شود؛ متنی که خداوند در آن مدعی شده است که برای هدایت جهانیان، در همه زمان‌ها نازل شده است.

ب: قرآنی که خودش را راهنما و روشنی‌بخش همه چیز معرفی نموده است و در اعجاز، فصاحت و بلاغت آن سخن‌ها رفته است، نباید برای فهم و روشن شدنش به هیچ منبعی وابسته باشد. از این رو، استفاده نکردن از روایات در فهم قرآن، دلیل بر ارزشمند ندانستن آنها نیست؛ روایات و دیگر علوم بشری، در جای خود استفاده خواهد شد.

در ضرورت پژوهش در این موضوع، به این بسنده می‌شود که اگر مشکل نبودن ارتباط بین شرط و جزا در آیه سوم سوره نساء، با لفظ خود قرآن برطرف نشود، ایراد

جدی بر فصاحت و بلاغت قرآن وارد می‌شود. شایان توجه آنکه، واژه‌های به کار رفته در آیه سوم سوره نساء نیز، واژه‌های بحث‌انگیزی نیستند که پژوهش‌های لغوی گرهی از کار بگشاید. با بیانی ساده، در کلام خداوند جمله‌ای شرطی به کار رفته است، که در آن شرط و جواب شرط بی‌ربط به نظر می‌رسد. در واقع، این مقاله ایراد منتقدان قرآن به نبودن ارتباط بین شرط و جزا در این آیه را می‌پذیرد و با در نظر گرفتن قرآن به عنوان یک متن منسجم و مرتبط دانستن این آیه به آیه ۱۲۷ سوره نساء، به این ایراد پاسخ می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به جدید بودن روش تفسیری، لازم است پیشینه پژوهشی روش تفسیری نگارنده نیز ارائه شود. برای دیدن پیشینه روش تفسیری (رک: حسینی و حسینی، ۱۴۰۲: ۶۹-۷۱). در ادامه پیشینه نظریات تفسیری پیرامون چندم سری بیان می‌شود: از دیرباز در موضوع جواز چندم سری در میان مفسران اختلاف نظر جدی وجود داشته است. در دوران معاصر نیز پایان‌نامه‌ها، مقالات پژوهشی و کتاب‌های زیادی به موضوع چندم سری پرداخته‌اند. برخی از مقالات پژوهشی عبارتند از: صادق‌زاده طباطبایی، ۱۳۹۲؛ اسکندرلو، ۱۳۹۳؛ شکرانی و حبیب‌اللهی، ۱۳۹۴؛ حافظی و قاضی‌زاده، ۱۳۹۷؛ رستمی و ایمانی، ۱۳۹۷؛ رضایی و میرعرب، ۱۳۹۸؛ سلطانی‌رنانی، ۱۳۹۸؛ ب؛ خانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ غروی و بابایی، ۱۳۹۹؛ توحیدی و محمدی، ۱۴۰۰؛ امام جمعه و همکاران، ۱۴۰۱؛ رئیسی و نفیسی، ۱۴۰۱؛ امرائی و همکاران، ۱۴۰۱؛ طیب‌حسینی و همکاران، ۱۴۰۱.

برخی از آنها به دفاع از حکم چندم سری کنونی و برخی به نقد نظریات دیگران پرداخته‌اند. برخی نیز، جواز چندم سری را از حالت مطلق کنونی خارج دانسته و

محدود به برخی ضرورت‌های اجتماعی دانسته‌اند. سه مقاله، به تحلیل و نقد دیدگاه روشنفکران دینی پرداخته‌اند؛ مقاله‌ای ترجمه‌های ساختار شرط در آیه ۳ سوره نساء را نقد نموده است؛ و مقاله دیگری، به بررسی تطبیقی خوانش‌های عصری از آیه ۳ سوره نساء در سه تفسیر معاصر پرداخته است.

گفتنی است نوشتار پیش رو، به مقالات (صادق‌زاده طباطبائی، ۱۳۹۲؛ و سلطانی‌رنانی، ۱۳۹۸ب) وابستگی زیادی دارد؛ تا جایی که می‌توان گفت این سه مقاله مکمل و متمم یکدیگرند. صادق‌زاده، نظریه رایج تفسیری شیعه و سنی را نقد نموده و نتیجه پژوهش او با سلطانی یکسان است؛ سلطانی نیز، نظریات مفسران و پژوهشگران در زمینه ارتباط شرط و جزا را دسته‌بندی و سپس نقد نموده است. گفتنی است در مقاله سلطانی‌رنانی، از برخی اندیشمندان معاصر که جواز چندهمسری را محدود به مادران یتیمان می‌دانند، یاد شده است. در میان آنها، نام برخی از بزرگان شیعه، همچون سید عبدالاعلی سبزواری، محمدتقی معرفت و سید محمدتقی مدرسی نیز دیده می‌شود.

به اختصار می‌توان گفت: با وجود تفاوت‌هایی در شیوه بیان و استدلال، بسیاری از پژوهش‌های تفسیری معاصر، از آن جهت که دامنه جواز را به گروه کم‌تری از زنان محدود نموده‌اند، یا اصل را بر تک‌همسری دانسته‌اند، هماهنگ با نظریه بیان شده در این مقاله است. از این رو، حکم به دست آمده در این مقاله، چندان هم عجیب و غریب نیست. البته، تفاوت در شیوه فهم آیه و نوع نگاه به قرآن و روایات، تأثیرات جدی در نتایج دو دیدگاه دارد، که در بخش نقد نظریه سلطانی‌رنانی بدان پرداخته شده است.

به علاوه پژوهش‌های معاصر، اگرچه دامنه جواز چندهمسری را محدودتر دانسته‌اند، اما استدلالشان برای برطرف نمودن مشکل ارتباط بین شرط و جزا در آیه سوم سوره نساء، با لفظ خود قرآن، قانع‌کننده نیست. در این نوشتار، ایرادات این نظریات، با فرض درستی اصول پذیرفته شده در این مقاله، بیان شده است.

گفتنی است هیچ مقاله یا کتابی که موضوع چندهمسری را، از منظر قرآن به عنوان یک متن منسجم و دارای نظم شبکه‌ای بکاود، یافت نشد.

۳. روش‌شناسی پژوهش: اصولی برای فهم روشمندان و کاربردی قرآن

نویسنده برای فهم قرآن به اصولی چهارده‌گانه پایبند است. (رک: حسینی و حسینی، ۱۴۰۰: ۴۱-۴۴). با بیانی ساده، فرآیند انجام پژوهش بدین‌گونه است که ابتدا تمام آیات مرتبط به موضوع مورد نظر را از قرآن استخراج و دسته‌بندی می‌کنیم. سپس بدون سندیت دادن به هیچ منبعی، به جز متن قرآن و با این پیش‌فرض که متن قرآن به اندازه ساختارهای ریاضی دقیق است و همچنین، بین بخش‌های گوناگون آن، همچون واژه، آیه، سوره و کلیت متن قرآن، ارتباطات فراوانی وجود دارد، به فهم قرآن می‌پردازیم. البته اگر بخواهیم همین مطالب را با زبان علمی‌تری بیان کنیم، می‌توان گفت: اگر در نظر گرفتن قرآن به عنوان یک متن منسجم، دارای نظم شبکه‌ای و فراعصری را به مفروضات مقاله کریمی، ۱۳۹۸ با عنوان «فرآیند نظریه‌پردازی قرآنی در حوزه تفسیر موضوعی» بیفزاییم، دوازده مرحله‌ای که او برای نظریه‌پردازی قرآنی معرفی نموده است، کاملاً قابل انطباق با روش نویسنده برای فهم قرآن خواهد بود. مفهوم انسجام و نظم شبکه‌ای که توضیح داده شد، منظور از فراعصری بودن نیز آن است که به جای ظاهر آیات، اهداف آنها را در نظر داشته باشیم. گفتنی است در نظر گرفتن هدف آیات به جای ظاهر آنها، منجر به تأویل قرآن خواهد شد.

۱. برهان‌های نگارنده بر درستی روش تفسیری استفاده شده در این مقاله در مقالات مستقلی بیان شده است. مقاله‌ای با عنوان «تفسیر موضوعی قرآن با قرآن؛ با تأکید بر انسجام، نظم شبکه‌ای و فراعصری بودن متن: راهکاری برای تحقق مرجعیت علمی قرآن» در نخستین همایش ملی مرجعیت علمی قرآن در دست داوری است. همچنین، ویرایشی از این مقاله با عنوان «معرفی روش تفسیری ساختار ریاضی‌وار متن قرآن» در دومین همایش مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و هفتمین همایش ملی اعجاز قرآن در دست داوری است.

به دیگر سخن، می‌توان گفت: زبان قرآن، تلفیقی از زبان ادبی و زبان ریاضی است. یعنی در متن قرآن، همچون متون ادبی، هم انواع آرایه‌های ادبی، همچون ایجاز، تمثیل، تشبیه، حذف و ... به کار رفته و در اوج فصاحت و بلاغت است و هم ساختار آن، مشابه ساختارهای ریاضی، اصل موضوعی است و از نظم و دقت بسیار بالایی برخوردار است. (درباره شباهت ساختار قرآن به ساختارهای ریاضی، رک: حسینی، ۱۴۰۳)

۴. بررسی آیات چندهمسری

مجموعه آیاتی از قرآن که موضوع آنها چندهمسری است، از این قرارند:

۴-۱. نساء: ۱۲۷

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَن تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (۱۲۷)

لغات

يَسْتَفْتُونَكَ: از تو فتوا و بیان حکم می‌خواهند. فتوی و فتیاء؛ بیان حکم. الْكِتَاب: از آنجا که الف و لام استفاده شده در الْكِتَابِ الف و لام عهد است، منظور از الْكِتَاب نیز قرآن است.

توضیح: الف و لام عهد، حرفی است که اسم‌های نکره را معرفه می‌سازد. به دیگر سخن، در این آیه منظور از الکتاب، کتابی است که شنونده آن را می‌شناسد. وقتی مخاطب این آیه را می‌شنود، منتظر خواهد بود که فتوای وعده داده شده در آیه، در آیه دیگری که بخشی از الکتاب یا همان قرآن است، بیان شود.

یَتَامَى: دختران و پسران یتیم. یَتَامَى جمع یتیم است. یتیم به فرزندی گویند که پیش از بلوغ، پدرش را از دست دهد؛ چه دختر باشد و چه پسر؛ (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۸۴۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۴۰/۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۴۰/۸؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۸: ۲۹۱/۵؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۶۷۹/۲ و حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۷۷۳/۱۷)؛ بنابراین یتامی را نمی‌توان صرفاً به معنی دختران یتیم دانست (به نقل از: امرایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷۹).

تَرْغَبُونَ: مایل هستید، دوست دارید.

قِسْطٌ: نوبت و سهم؛ پس اَقْسَطُ، یُقْسِطُ به معنای دادگری کردن است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۱/۵)؛ به نقل از: سلطانی، ۱۳۹۸: ب: ۲۲۶). با بیانی دقیق‌تر، «قسط یک الگوی عدالت مبتنی بر قانون‌مداری و رعایت حقوق افراد است» (اخوان طوسی و داوری، ۱۳۹۷: ۱۲۵). «در واقع اموال یتیمان حق آنهاست و قسط که دارای مؤلفه معنایی حق و نصیب است، به معنای دادن حق هر کس به خود اوست» (همان: ۱۲۰).

ترجمه: و درباره زنان رأی تو را می‌پرسند. بگو: خدا درباره آنان به شما فتوا می‌دهد؛ و [نیز] آنچه در کتاب [قرآن] می‌آید، درباره یتیمانِ زنانی که حق مقررشان را نمی‌دهید و تمایل به ازدواج با آنان [= زنان = مادر یتیمان] دارید و درباره کودکان ضعیف [= کودکان بی‌سرپرست یا بد سرپرست] و اینکه با یتیمان به قسط رفتار کنید، [فتوا می‌دهد]؛ و هر کار نیکی انجام دهید، قطعاً خدا به آن داناست. (۱۲۷)

توضیحات

الف: الْمُسْتَضْعِفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ: کودکان ناتوان؛ از آنجا که یتیمان دارای مادر و کودکان ضعیف را در دو دسته جدا قرار داده است، می‌توان آن را به معنی کودکانی که نه پدر دارند و نه مادر، در نظر گرفت. با توجه به گستردگی معنای واژه مُسْتَضْعَف، به زبان امروزی، این عبارت می‌تواند به معنای کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست باشد.

ب: از نظر نویسنده، یَتَامَى النِّسَاءِ یک ترکیب اضافی است و عبارت اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ، صفت برای النِّسَاءِ است.

پ: یَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ؛ فرزندان یتیم زنانی که به سبب سرپرستی امور مالی فرزندان آنان، تمایلی به دادن حق واجب آنان، که در آیه ۲۴ سوره نساء از آن به عنوان اجر نام برده شده است، ندارند و از طرفی تمایل به ازدواج با آنان نیز دارند. (برای دیدن نظر نگارنده پیرامون آیه ۲۴ سوره نساء و قانون اجر، ر.ک. حسینی و حسینی، ۱۴۰۲: ۷۴-۸۱)

ظاهراً با توجه به رسیدگی به امور مالی کودکان آن زنان، مردان گمان می‌کرده‌اند، برای ازدواج با آن زنان پرداخت اجر ضرورتی ندارد.

۲-۴. نساء: ۲ تا ۶

وَأَتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبْدِلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (۲) وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا (۳) وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (۴) وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۵) وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (۶)

لغات

إِنْ: از ادات شرط است. حرف شرط إِنْ بر جمله شرط و جزا وارد می‌شود و معنای این دو جمله را مستقبل (آینده) می‌کند. إِنْ شرطیه را می‌توان از گسترده‌ترین

ادات شرط دانست. اِنْ در مواقعی به کار می‌رود که گوینده نسبت به وقوع شرط شک دارد (سلطانی، ۱۳۹۸: ۲۲۵).

خَفْتُمُ: فعل ماضی جمع مذکر مخاطب از ریشه خوف است. خَوْف: از روی نشانه‌های ظنی احتمال وقوع امر ناخوشایند را داشتن، همان‌گونه که امیدواری عبارت است از امید به حصول امر خوشایند از روی حدس و گمان یا امر معلوم (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۵۹-۲۶۰).

أَلَّا تُقْسِطُوا: أَلَّا ترکیب یافته از اَنْ ناصبه و لای نافیہ است. اَنْ فعل مضارع را نصب می‌کند و آن را به تأویل مصدر می‌برد. تُقْسِطُوا فعل مضارع منصوب، جمع مذکر مخاطب از باب افعال و ریشه قسط است (سلطانی، ۱۳۹۸: ۲۲۵).

فَانكِحُوا: فعل امر جمع مذکر مخاطب از مصدر النکاح و به معنای ازدواج است. (برای توضیح بیشتر درباره مفهوم واژه نکاح در قرآن، بنگرید به: حسینی و حسینی، ۱۴۰۲: ۶۷، پاورقی).

مَا: هر تعداد. مَا موصوله است و مِنْ در مِنْ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ، بیانیه است و از مَا رفع ابهام می‌کند.

طاب: مورد پسند شد. طَيِّبٌ: دلچسبی؛ طبع پسندی. «طاب الشيء طيباً»: دلچسب و طبع پسند شد. راغب گوید: اصل طَيِّب آن است که حواس از آن لذت می‌برد و نفس از آن لذت می‌برد. پاک کردن را استطابه گویند، زیرا پاک کردن سبب دلچسبی است (قرشی، ۱۳۷۸: ۲۵۷/۴).

النِّسَاءِ: زنان. نِسَاء، نِسْوَان و نِسْوَة جمع مرأَة به معنی زن است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۷۵۵).

مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ: با هر تعداد از زنان که تمایل داشتید، دو تا با هم، سه تا با هم و یا چهار تا با هم ازدواج کنید.

نکته: فعل طَابَ تأکید می‌کند که برای برقراری قسط بین یتیمان مجبور به ازدواج با مادران آنها نیستید؛ فقط در صورت تمایل چنین اجازه‌ای دارید.

صَدَقَات: مفرد آن، صَدَقَةٌ است. صَدَّقَ از صَدَّقَ به معنی راستی، اخلاص و درستی گرفته شده است. به کار بردن این واژه ممکن است به یکی از کارایی‌های پرداخت اجر، یعنی اثبات صداقت مرد در علاقه و تعهد نسبت به همسرش اشاره داشته باشد.

صَدَقَاتِهِنَّ: اضافه شدن ضمیر هِنَّ به صَدَقَات نشانگر آن است که مردان از قبل می‌دانسته‌اند که منظور از صَدَقَةٌ برای همسر چیست. از آنجا که در آیه ۲۴ سوره نساء می‌گوید: «... پس اگر تمایل داشتید با آن خواستنی [که در حال پاک‌دامنی باشد و نه رفیق‌بازی] از آنان بهره‌مند شوید، واجب است که اجر آنها را بپردازید؛...»، صَدَقَةٌ همان اجرای است که مردان باید به همسرشان بپردازند و امروزه با نام مهریه شناخته می‌شود.

نِحْلَةٌ: به گونه‌ای که به دستشان سپرده شود؛ به گونه‌ای که به ملکیت آنها درآید (برای دلیل برتری این ترجمه بر دیگر ترجمه‌های بیان شده برای نِحْلَةٌ، بنگرید به: هدایت، ۱۳۷۲: ۱۴۲-۱۴۵).

ترجمه: و اموال یتیمان را به آنان برگردانید و [مال پاک] و [مغوب آنان] را با [مال] ناپاک [خود] عوض نکنید؛ و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید، که این گناهی بزرگ است. (۲) و اگر بیم دارید که مبادا در بین یتیمان [دختران و پسران یتیم] به قسط رفتار نکنید، با هر تعداد از زنان که تمایل داشتید، دو تا با هم، سه تا با هم و یا چهار تا با هم ازدواج کنید؛ و اگر بیم دارید که مبادا بین زنان به عدالت رفتار نکنید، به یک زن یا ملک‌یمینی [که با او ازدواج کرده‌اید]، اکتفا کنید؛ این بهتر است برای اینکه عیالوار نشوید. (۳) و مهر زنان را به دستشان بسپارید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما وا گذاشتند،

حلال و گوارایتان باد. (۴) و به کم خردان اموالشان را که خداوند شما را به سرپرستی آن گماشته است ندهید؛ و از [سود و بهره] آن خوراک و پوشاکشان دهید و با آنان به زبان خوش سخن بگویید. (۵) و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان برگردانید؛ و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید؛ و آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد و هر کس تهی دست است، باید مطابق عرف [از آن] بخورد. پس هرگاه خواستید اموالشان را به آنان برگردانید، برایشان شاهد بگیرید؛ و خداوند حسابرسی را کافی است. (۶)

توضیحات

الف: مفهوم برآمده از متن آیه ۲، سفارش به محافظت از اموال یتیمان و سوء استفاده نکردن از اموالی است که فردی در آن تصرف دارد.

ب: با توضیحات بند الف، توقع آن می رود که آیه ۳ نیز به بیان مطالبی درباره اموال یتیمان بپردازد.

پ: در آیه ۳ می فرماید: اگر بیم آن دارید که بین یتیمان رعایت قسط نکنید، می توانید چند همسر داشته باشید و اگر می ترسید بین همسران به عدالت رفتار نکنید، به همان یک زن یا ملک یمینی که با او ازدواج کرده اید، اکتفا کنید و بی جهت خود را عیالوار نکنید.

ت: آیات ۵ و ۶ نیز همانند آیه ۲، به بیان سفارشات درباره اموال یتیمان پرداخته است. به دیگر سخن، موضوع آیه ۲ و آیات ۵ و ۶ یکی است.

ث: از متن آیات مشخص است که مخاطب آیات ۲ تا ۶، مردانی هستند که اموال یتیمان در اختیار آنهاست و آنها در آن اموال، به اندازه اموال خودشان حق تصرف دارند.

۳-۴. نساء: ۱۲۹

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوا كَالْمُعَلَقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (۱۲۹)

ترجمه: و شما هرگز نمی‌توانید میان زنان به عدالت رفتار کنید، هر چند [بر عدالت] حریص باشید! پس به یک طرف یکسره تمایل نورزید تا آن [زن دیگر] را سرگشته [= بلامتکلیف] رها کنید؛ و اگر سازش نمایید و پرهیزکاری کنید، یقیناً خدا آمرزنده مهربان است. (۱۲۹)

۵. یافته‌های پژوهش: تفسیر پیشنهادی مقاله

آنچنان که در ابتدا گفته شد، مشکلی که در فهم آیه ۳ سوره نساء وجود دارد، آن است که ابتدای آیه درباره یتیمان و ادامه آن مربوط به جواز چندهمسری است و این دو با هم ناسازگارند. پرسشی که پس از خواندن آیه ۳ سوره نساء به وجود می‌آید، آن است که ازدواج با کدام زنان است که می‌تواند در بهبود زندگی یتیمان اثرگذار باشد. طبیعی‌ترین پاسخی که به ذهن می‌رسد، آن است که ازدواج با مادر آن یتیمان می‌تواند اثری مهم بر زندگی یتیمان داشته باشد. ولی این مطلب هرگز از ظاهر آیه ۳ نتیجه نمی‌شود. در این آیه، هیچ سخنی از مادر یتیمان و ازدواج با آنان نیامده است؛ فقط سخن از ازدواج با زنان است؛ اما کدام زنان؟ معلوم نیست. اکنون به این پرسش پاسخ می‌دهیم. پاسخ: اگر بپذیریم که ابتدا آیه ۱۲۷ سوره نساء نازل شده است و در آن خبر داده شده که قرار است فتوایی درباره این چهار موضوع داده شود:

۱- فتواهایی درباره همه زنان؛

۲- امور مالی کودکان بی پدری که مادران آنها سرپرستی اموال آنان را به فرد دیگری سپرده اند؛

۳- مادرانی که سرپرست امور مالی فرزندان شان، تمایل به ازدواج با آنان دارد؛

۴- امور مالی کودکان ناتوان که شامل کودکانی که پدر و مادر ندارند و همچنین، کودکان بدسرپرست می شود؛

سپس، آیات ۲ تا ۶ و ۷ تا ۱۴ سوره نساء نازل شده است و بخشی از آن فتواهایی را که در آیه ۱۲۷ وعده داده شده است، بیان نموده است. در این صورت، نه تنها مشکل منطقی آیه حل می شود، بلکه برای چندم سری نیز، قانونی به دست می آید که دلیل تجویز آن، رعایت قسط بین کودکان یتیم است؛ کودکان یتیمی که مردی از قبل رسیدگی به امور مالی آنان را پذیرفته است.

برای بهتر نشان دادن ارتباط آیه ۱۲۷ و آیه ۳ سوره نساء، ارتباطات مفهومی و مضمونی آیات، جداگانه بررسی شده است.

الف. ارتباط مفهومی آیات

قانونی که از کنار هم گذاشتن آیات ۱۲۷ و ۳ سوره نساء (به ترتیب) به دست می آید این است که:

اگر شوهر زنی بمیرد و آن زن کودکان یتیمی داشته باشد که توانایی مدیریت امور مالی آنان را نداشته باشد، تا جایی که مجبور شود سرپرستی امور مالی آن کودکان یتیم را به عهده مردی بگذارد؛ اگر در این شرایط ویژه، آن مرد نگران رعایت قسط در اموال آن کودکان یتیم باشد، آن مرد سرپرست کودکان

یتیم، با وجود اینکه دارای همسر است، اجازه دارد به شرط رعایت عدالت بین همسران، با آن زن بیوه ازدواج کند. این اجازه، تا داشتن چهار همسر با هم وجود دارد. در واقع، جواز چندهمسری برای مراعات بیشتر در امور مالی کودکان یتیم است. با این وجود، آیه ۱۲۹ سوره نساء، با بیان اینکه رعایت عدالت میان همسران ناممکن است، همین اجازه را نیز با نهی شدیدی همراه نموده است.

اکنون، با جزئیات بیشتر، به ارتباطات مفهومی بین آیه ۱۲۷ و آیات ۲ تا ۱۴ سوره نساء می‌پردازیم:

۱- در آیه ۱۲۷ خبر داده شده که قرار است به پرسش‌هایی درباره زنان پاسخ داده شود.

۲- پاسخ پرسش‌های یاد شده، در آیات ۲ تا ۱۴ سوره نساء و بدین‌گونه آمده است:
الف: فتوای عام برای اموال یتیمان، چه مادر داشته باشند و چه نداشته باشند، در آیات ۲، ۵ و ۶ بیان شده است؛

ب: فتوای ویژه درباره یتیمانی که مادر دارند و مردان سرپرست آن یتیمان تمایل به ازدواج با مادران آنها دارند، در آیات ۳ و ۴ بیان شده است؛

پ: فتوای وعده داده شده برای همه زنان نیز، در آیات ۷ تا ۱۴ همین سوره است که قوانین ارث را بیان می‌کند و در هنگام بیان قوانین ارث، به حقوق زنان نیز اشاره دارد.
پرسش معقولی که پیش می‌آید آن است که ازدواج با مادر یتیمان، چه تأثیری در برقراری قسط در امور مالی یتیمان دارد؟

پاسخ: به عنوان نمونه، شرایط ویژه‌ای را در نظر بگیرید که مردی مجبور باشد سرپرستی اموال ۶ کودک یتیم را به عهده گیرد که سه تای آن از یک مادر، دو تا از

مادری دیگر و ششمین کودک نیز مادری متفاوت دارد؛ در این شرایط بسیار اضطراری، ازدواج با مادران آن یتیمان، رسیدگی به امور مالی آنان را ساده تر می کند؛ در واقع، با این ازدواج، سرپرست امور مالی کودکان، تبدیل به پدرخوانده آنان شده و همچنین، بخشی از مسئولیت های مالی آن کودکان به مادرشان سپرده می شود. از طرفی، با توجه به اینکه زن و شوهر از یکدیگر ارث می برند، در صورت ازدواج با مادر آنان، اگر اندکی به حقوق یتیمان صدمه وارد شود، به صورت ارث جبران خواهد شد.

ب. ارتباط مضمونی آیات

۱- متن آیه ۱۲۷ و بویژه عبارت *وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ*؛ و آنچه در قرآن می آید، این انتظار را در مخاطب ایجاد می کند که گویی قرار است ادامه سخن و یا همان فتوای وعده داده شده در این آیه، در جای دیگری از کتاب که همان قرآن است، بیاید.

۲- تنها آیه دیگری که همچون آیه ۱۲۷، در آن سخن از یتیمان و زنان و رعایت قسط بین یتیمان است، آیه ۳ سوره نساء است.

۳- وجود حرف عطف «و» در ابتدای آیه ۳، اشاره به پیوستگی این آیه به آیه دیگری از قرآن دارد. با توجه به روند کلی متن آیات، پیوند این آیه به آیه قبل، مشکل فهم این آیه را برطرف نمی کند. از این رو، باید در ادامه آیه دیگری باشد.

۴- وجود عبارت *أَنْ تَقُولُوا لِلْإِيتَامَىٰ بِالْقِسْطِ* در آیه ۱۲۷ و شروع آیه ۳ با *وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْإِيتَامَىٰ*، ارتباط این دو آیه را بسیار شدید می کند.

۵- در این تفسیر می توان برای *أَلَّا تَعُولُوا* ترجمه عیالوار نشوید (یکی از ترجمه های پیشنهادی فولادوند) را در نظر گرفت. این ترجمه با متن آیه بسیار هماهنگ تر از ترجمه های دیگری است که برای این عبارت بیان شده است. در دیگر ترجمه ها و تفاسیر، *عَوْلٌ* را به معنی ستم گرفته اند. پرسشی که پیش می آید آن است که:

با وجود این همه واژه‌ای که به معنی ستم است، چه نیازی است که در این آیه، از واژه عَوَّل استفاده کند؟

پ. شواهدی بر درستی فرضیه مقاله

یادآوری می‌شود که در روش تفسیری نگارنده، وجود ارتباط منطقی و مفهومی در متن آیات، برای مرتبط دانستن آنها کافی است و تا اینجا نشان داده شده که با فرض تقدم نزول آیه ۱۲۷ بر آیات ۲ تا ۱۴، ارتباط مفهومی و مضمونی آیات به خوبی حفظ می‌شود. اما اگر بخواهیم شواهد بیشتری بر درستی نظریه بیان شده در مقاله ارائه دهیم، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- این تفسیر، اشکال منطقی نبودن ارتباط بین شرط و جزا در آیه سوم سوره نساء را، با لفظ خود قرآن، برطرف می‌کند.

۲- آیه ۱۲۷ سوره نساء و آیه ۳ همین سوره، تنها آیاتی از قرآن هستند که هم درباره زنان و هم درباره یتیمان سخن می‌گویند. از این رو، منطقی است که بخشی از فتوای وعده داده شده در آیه ۱۲۷، در آیه ۳ بیان شده باشد.

۳- با توجه به نزول تدریجی قرآن، این فرضیه که ابتدا آیه ۱۲۷ و سپس آیه ۳ سوره نساء نازل شده باشد، و در واقع، وجود ارتباط بین این دو آیه، می‌تواند فرضیه قابل قبولی باشد.

۴- در این بند، با اشاره به تفاسیری که وجود ارتباطی بین آیه ۱۲۷ و آیه ۳ سوره نساء را پذیرفته‌اند، توجه خواننده را به این موضوع جلب نموده است که این فرضیه بدون پیشینه نیست. این تفاسیر از این قرارند:

الف: تفسیر قمی بین آیه ۳ و آیه ۱۲۷ سوره نساء ارتباط قائل است (به نقل از: سلطانی‌رنانی، ۱۳۹۸: ۲۳۷).

ب: (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ۱۱۸/۲) و (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۲۲۲/۴)، شرط و جزای آیه سوم سوره نساء را در ارتباط با آیه ۱۲۷ همین سوره دانسته‌اند. از نظر این مفسران، الِیتَامَی و النِّسَاء در آیه سوم نساء، همان یَتَامَی النِّسَاء در آیه ۱۲۷ است. ایشان بر این باور بوده‌اند که خداوند در آیه سوم، پاسخ پرسش و استفتای آیه ۱۲۷ را بیان کرده است (به نقل از: همان: ۲۲۹).

ب: تفسیر تسنیم، آیات ۱۲۷ و ۳ سوره نساء را مرتبط به یکدیگر می‌داند و فی الِیتَامَی در آیه ۳ را با فی یَتَامَی النِّسَاء در آیه ۱۲۷، یکی می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۲۵۱/۱۷). از نظر ارتباط دو آیه، تفاوت این برداشت با تسنیم آن است که در اینجا، یَتَامَی در آیه ۱۲۷، با الِیتَامَی در آیه ۳، یکی دانسته شده است؛ و النِّسَاءِ اللَّائِی لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا کُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْکِحُوهُنَّ در آیه ۱۲۷، با النِّسَاء در آیه ۳ یکی دانسته شده است.

مطالب بند ۴، نشان از آن دارد که فرضیه وجود ارتباط بین آیه ۱۲۷ و آیه ۳ سوره نساء، در بین مفسران پیشین و معاصر طرفدارانی داشته است. تقدم نزول آیه ۱۲۷ بر آیه ۳ سوره نساء نیز بدون پیشینه نیست؛ با توجه به بند ب، ابن عطیه و ابن عاشور نیز همین نظر را داشته‌اند.

۵- تفسیری که با کمک آیه ۱۲۷ سوره نساء برای آیه ۳ همان سوره به دست آمد، به خوبی یادآور این حدیث شریف است که می‌فرماید: کِتَابُ اللَّهِ... یَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ، وَ یَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ (سید رضی، ۱۹۲؛ ابن ابی الحدید، ۲۸۷/۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ۲۲/۸۹)؛ کتاب خدا... پاره‌ای از آن به کمک پاره‌ای دیگر سخن می‌گوید و پاره‌ای از آن بر پاره‌ای دیگر گواهی می‌دهد. این سخن امام علی (ع)، تأکید دارد بر اینکه قرآن، با ارجاع آیات و عباراتش به یکدیگر، به صورت ایحایی (اشاره‌ای) نطق

می‌کند و سخن می‌گوید و پاره‌ای از آن پاره‌ای دیگر را تفسیر می‌کند (به نقل از: صفره و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۴۵).

۶- ارتباط بین آیه ۱۲۷ و آیات ۲ تا ۶ سوره نساء را، به جرأت می‌توان یکی از جنبه‌های اعجاز ادبی قرآن از نظر ایجاز در سخن نامید. در این آیات، با کمترین جملات، بیشترین مفاهیم گنجانده شده است؛ و چه کسی جز آفریدگار سخن، تواند که این‌گونه سخن گوید؟! (برای توضیح بیشتر درباره ایجاز حذف در قرآن کریم، بنگرید به: شهبازی و شهبازی، ۱۳۹۲).

در بخش بعدی با نقد نظریات رایج تفسیری نشان می‌دهیم که اگر به قرآن به عنوان متنی منسجم و دقیق بنگریم، به این نظریات ایرادات جدی وارد است.

۶. نظریات رایج تفسیری و نقد آنها

از آنجا که در بین اندیشمندان معاصر، محدود دانستن چندهمسری به ازدواج با مادران یتیمان طرفداران زیادی دارد؛ تا جایی که می‌توان آن را جدیدترین نظریه رایج در بین مفسران و قرآن‌پژوهان معاصر دانست و همچنین، سلطانی‌رنانی مفصل‌تر از دیگران به این موضوع پرداخته است، برای نقد نظر معاصرین درباره ارتباط بین شرط و جزای آیه ۳ سوره نساء، نظریه او نقد می‌شود. پس از آن نظریه رایج شیعه و نظریه رایج سنی، با فرض درستی روش تفسیری بیان شده در مقاله، نقد خواهد شد.

۱-۶. نظریه معاصرین (نظریه سلطانی‌رنانی درباره ارتباط بین شرط و جزای آیه ۳ سوره نساء)

در چکیده مقاله سلطانی‌رنانی آمده است:

«مفسران در بیان وجه ارتباط جمله *وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى* و جمله *فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ* شش وجه بیان کرده‌اند. این وجوه به اختصار از این قرارند:

- ۱- ازدواج با دیگر زنان موجب دادگری با دختران یتیم است.
- ۲- ازدواج با دختران یتیم موجب دادگری با آنان است.
- ۳- دادگری میان یتیمان در گرو محدودیت ازدواج است.
- ۴- دادگری میان زنان همچون دادگری میان یتیمان لازم است.
- ۵- پاک‌دامنی همانند دادگری در یتیمان لازم است.
- ۶- دادگری میان یتیمان در گرو ازدواج با مادر آنان است» (همان: ۲۲۳).

سلطانی به تفصیل به موضوع ارتباط شرط و جزا در آیه سوم سوره نساء پرداخته و نظریات اول تا پنجم را رد نموده است. او در پایان مقاله می‌نویسد:

«با توجه به آنچه گذشت، وجه ششم برترین و بهترین وجه در بیان ارتباط شرط و جزای آیه سوم سوره نساء است. بنا بر این وجه، برای دادگری میان یتیمان، ازدواج دوم، سوم و چهارم با مادر آن یتیمان روا دانسته شده و معنای آیه چنین است: «و اگر بیم دارید که میان یتیمان دادگری نکنید، پس از آن زنان (مادران یتیمان) که پسندتان است، دودو، سه‌سه و چهارچهار به همسری گیرید». بر این اساس، حکمت جواز چندهمسری، رعایت حال یتیمان و دادگری با آنان است و بی‌گمان اگر دادگری در میان نباشد، چندهمسری مردود خواهد بود و بازگشت به همان حکم نخستین تک‌همسری (فواحده) است» (همان: ۲۴۲-۲۴۳).

او در مقاله دیگری با عنوان «بررسی شرایط و زمینه‌های جواز چندهمسری در قرآن کریم» نیز به موضوع چندهمسری پرداخته است. مطالعه مقاله اخیر، تفاوت بین نظریه او و این مقاله را نمایان‌تر می‌کند. با برداشتی که سلطانی‌رنانی از رابطه بین شرط و جزا در آیه ۳ سوره نساء دارد، چندهمسری را به مثابه یک ضرورت اجتماعی و به عنوان راهکاری برای تأمین نیازهای زنان بیوه و دختران یتیم روا می‌داند (سلطانی‌رنانی، ۱۳۹۸ الف: ۱۴۶)؛ اما در این مقاله، حکمت جواز چندهمسری، رسیدگی به مسائل عاطفی یتیمان و مشکلات بیوه‌زنان نیست؛ و فقط راهکاری برای مراعات بیشتر در حقوق مالی یتیمان است؛ حقوق مالی یتیمانی که مردی از قبل سرپرستی امور مالی آنان را بر عهده گرفته است. از این رو، دامنه جواز آن بسیار محدودتر و شرط جواز آن بسیار سنگین‌تر است.

نقد نظریه سلطانی‌رنانی

به جرأت می‌توان گفت که اگر قرار باشد، آیه ۳ سوره نساء را به تنهایی در نظر بگیریم، نظریه سلطانی‌رنانی هماهنگ‌ترین و دقیق‌ترین برداشت از آیه است؛ اگرچه هنوز ابهاماتی دارد که از این قرارند:

الف. ایراد مضمونی

اگر منظور این بود، به راحتی می‌توانست به جای واژه النِّسَاء از واژه اُمّهاتهم، اُمّ الاِیْتَام، یا عباراتی مشابه استفاده نموده و مقصود را با واژگان مناسب‌تری برساند. به دیگر سخن، در این برداشت ترجمه النِّسَاء به مادر یتیمان ایراد جدی دارد.

ب. ایراد مفهومی

در حکمی که او برای چندهمسری به دست آورده است، اثری از شرط **وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى** در آیه ۳ سوره نساء دیده نمی‌شود. در واقع، در

حکم به دست آمده برای چندهمسری، شرطی که در متن قرآن به صراحت بیان شده است، نادیده گرفته شده است.

بنابراین، با چنین ترجمه و تفسیری، مشکل ارتباط نداشتن شرط و جزای بیان شده در آیه، با لفظ خود قرآن حل نشده است.

۲-۶. نظریات رایج شیعه و سنی و نقد آنها

نظریه رایج شیعه و سنی که یکی نظر علامه طباطبایی و دیگری نظر امام فخر رازی است، در مقاله صادق زاده طباطبایی به تفصیل نقد شده است. برای نقد موشکافانه نظریه رایج شیعه و سنی، بنگرید به: صادق زاده طباطبایی، ۱۳۹۲؛ برای نقد موشکافانه نظریات رایج شیعه و سنی و دیگر پیشینیان، از نظر ارتباط بین شرط و جزا، بنگرید به: سلطانی رنانی، ۱۳۹۸ ب؛ همچنین، برای نقد موشکافانه تر تقدیرهایی که در نظریات تفسیری برای تبیین ارتباط شرط و جزای آیه سوم سوره نساء گرفته شده است، بنگرید به: امرائی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷۷-۲۸۳. در این مقاله، فقط ایرادات نظریه رایج تفسیری شیعه و سنی، با پذیرش فرض انسجام و دقت قرآن به عنوان یک متن، بیان شده است.

الف. نظریه رایج شیعه (نظریه علامه طباطبایی)

نظریه رایج تفسیری درباره جواز چندهمسری در قرآن، با توجه به شأن نزول آیه ۳ به دست آمده است که ابتدا آن را بیان نموده و سپس با اصول این مقاله نقد خواهد شد.

«شأن نزول: پیش از اسلام معمول بود که بسیاری از مردم حجاز، دختران یتیم را به عنوان تکفل و سرپرستی به خانه خود می بردند و سپس با آنها ازدواج کرده و اموال آنها را هم تملک می کردند و چون همه کار دست آنها بود حتی

مهریه آنها را کمتر از معمول قرار می‌دادند، و هنگامی که کمترین ناراحتی از آنها پیدا می‌کردند، به آسانی آنها را رها می‌ساختند؛ و در حقیقت حاضر نبودند حتی به شکل یک همسر معمولی با آنها رفتار نمایند. در این هنگام، آیه فوق نازل شد و به سرپرستان ایتمام دستور داد در صورتی با دختران یتیم ازدواج کنند که عدالت را به طور کامل درباره آنها رعایت نمایند و در غیر این صورت از آنها چشم‌پوشی کرده و همسران خود را از زنان دیگر انتخاب نمایند» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۸۶/۳).

اکنون یکی از ترجمه‌هایی را که با توجه به شأن نزول آیه بیان شده است، نقد می‌کنیم: «ترجمه: و اگر می‌ت رسید که [به هنگام ازدواج با دختران یتیم] عدالت را رعایت نکنید [از ازدواج با آنان چشم‌پوشی کنید] و با زنان پاک دیگر ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ت رسید عدالت را [درباره همسران متعدد] رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانی که مالک آنهاید استفاده کنید، این کار از ظلم و ستم جلوگیری می‌کند» (همان: ۲۸۷/۳).

ایرادات نظریه رایج شیعه

الف: در این ترجمه، یتّامی به دختران یتیم ترجمه شده است؛ در حالی که، واژه یتّامی جمع یتیم و یتیمه است. این واژه، بارها در قرآن استفاده شده است. در قرآن، کلمات با ریشه یتّم در مجموع ۲۳ بار و به شکل مفرد (یتیم)، تنّیه (یتیمین) و جمع (یتّامی) آمده است. همه موارد کاربرد یتّامی در قرآن، شامل یتیمان پسر و دختر می‌شود که در موضوعات احسان، صدقه، اصلاح، امتحان، وصیت، مواظبت بر اموال، فیء، اکرام و... به کار رفته است؛ از این رو، دلیلی وجود ندارد که در این آیه، یتّامی را به معنی دختران یتیم بگیریم.

ب: اینکه منظور از *وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى* بیم از رعایت نکردن قسط پس از ازدواج با یتیمان است، از آیه فهمیده نمی‌شود.

پ: در این آیه از اینکه با یتیمان ازدواج نکنید سخنی به میان نیامده است و این مطلب نیز با توجه به شأن نزول به ترجمه اضافه شده است. اگر منظور خداوند، رعایت قسط پس از ازدواج با یتیمان بود، به راحتی می‌توانست با اضافه کردن چند کلمه، مقصود خود را بیان کند.

ت: واژه *نِسَاء* و جمع آن *نِسَوَه*، ۵۹ بار در قرآن به کار رفته است که در همه موارد، به جنس زن اشاره می‌کند. دلیلی وجود ندارد که واژه *النِّسَاء* در عبارت *فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ* در آیه ۳ به معنی زنان غیر یتیم باشد.

ث: ترجمه ارائه شده، ترجمه این عبارت است:

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى [فَلَا تَنْكِحُوهُمْ] [فَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الزَّوَاجَ] فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛ و اگر بیم دارید که با یتیمان دادگری نکنید [پس با آنان ازدواج نکنید] [و اگر می‌خواهید ازدواج مجدد کنید]، پس آنچه از زنان [دیگر] پسندتان آید، به همسری گیرید. (برای توضیح بیشتر درباره ایرادات نظریه رایج شیعه، بنگرید به: صادق‌زاده طباطبایی، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۵).

بنابراین، با این ترجمه و تفسیر، مشکل ارتباط نداشتن شرط و جزای بیان شده در آیه، با لفظ خود قرآن حل نشده است.

ب. نظریه رایج سنی (نظریه امام فخر رازی)

نظریه رایج سنی، نظر امام فخر رازی است که با استناد به روایتی از عکرمه به دست آمده است؛ روایتی که شأن نزول آیه را بیان می‌کند. او در دفاع از نظریه‌اش می‌نویسد:

«آیه ناظر به مردانی است که سرپرستی برخی از ایتام را عهده‌دار بودند و با بیش از چهار همسر ازدواج کرده بودند و این تعدد همسر مشکلات معیشتی برایشان ایجاد کرده بود و موجب شده بود تا به اموال یتیمان تحت سرپرستی خود چشم دوزند. آیه برای پیشگیری از این امر تعداد ازدواج‌های آنان را به چهار محدود می‌کند» (همان: ۵۶)

ایرادات نظریه رایج سنی

ایرادات این نظریه را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی نمود:

۱- در این تفسیر، مخاطب **وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى** مردانی است که دارای سه ویژگی‌اند:

یک. سرپرستی یتیمان را بر عهده دارند.

دو. با بیش از چهار زن ازدواج کرده‌اند.

سه. از ستم به حقوق یتیمان تحت سرپرستی‌شان ترس دارند.

ملاحظه می‌شود که در متن آیه ۳ و آیات پیش از آن، هیچ قرینه لفظی یا معنوی وجود ندارد که بتوان با استناد به آن، مخاطب آیه را چنین مردانی دانست.

۲- در آیه ۳ هیچ سخنی از اینکه، در آن زمان مردان بیش از چهار همسر اختیار می‌کردند به میان نیامده است؛ همچنین، هیچ اشاره‌ای به محدود نمودن تعداد همسران نشده است.

۳- این دیدگاه خلاف ظاهر آیه است. اگر این دیدگاه درست بود، آیه باید این چنین نازل می‌شد:

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى [فَلَا تَنْكِحُوا أَكْثَرَ مِنْ رُبَاعٍ]؛ و اگر بیم دارید که به یتیمان ستم کنید، پس بیش از چهار همسر نگیرید. (برای توضیح بیشتر درباره ایرادات نظریه رایج سنی، بنگرید به: همان: ۵۶-۵۵).

بنابراین، با این ترجمه و تفسیر نیز، مشکل ارتباط نداشتن شرط و جزای آیه، همچنان به قوت خود باقی است.

۳-۶. نقد پشتوانه روایی نظریات رایج تفسیری پیرامون چندهمسری

اگرچه، در روش نویسنده برای فهم قرآن به عنوان یک متن، نیازی به بررسی روایات نیست؛ اما برای اطمینان خاطر پژوهشگرانی که در فهم قرآن، برای روایات ارزش ویژه‌ای قائلند، برای نقد پشتوانه روایی نظریات تفسیری، به مقاله «آیه تعدد زوجات، حکمی مطلق یا مشروط؟» ارجاع داده می‌شود. در بخش جمع‌بندی روایات این مقاله آمده است:

«از مجموع روایات فوق، چنین به دست می‌آید که قطع نظر از ضعف سندی و محتوایی برخی از روایات، هیچ یک به صراحت در مورد معنای آیه سوم سوره نساء توضیح روشنی نمی‌دهند و از هیچ یک ارتباط میان شرط و جزاء در آیه مشخص نمی‌شود. در این میان، فقط روایت مذکور در تفسیر علی بن ابراهیم قمی است که مرتبط بودن این آیه را با آیه ۱۲۷ سوره نساء تأیید می‌کند. با پذیرش این روایت و اصل مرتبط بودن این دو آیه با یکدیگر، می‌توان نتیجه گرفت که حکم تعدد زوجات در آیه سوم ناظر به احکام مربوط به یتیمان است و تشریع این حکم برای حل ضرورتی اجتماعی بوده است. هرچند که این ضرورت اجتماعی دقیقاً مشخص نیست، به هر حال، مشخص نبودن آن باعث نمی‌شود که حکم تعدد زوجات به صورت مطلق و در هر شرایطی مجاز شود ...» (شکرانی و حبیب‌اللهی، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

نتیجه

- ۱- بهتر است خواننده این نکته را در نظر داشته باشد که در این مقاله از روش تفسیری جدیدی برای فهم آیات چندهمسری استفاده شده است. روشی تفسیری که با پایبندی به آن، موضوعات دیگری همچون شهادت زنان، ازدواج موقت و روش تقسیم ارث نیز بررسی شده و مقالات مرتبط به آنها، در نشریات علمی کشور منتشر شده است. از این رو، با پذیرش روش تفسیری نگارنده، تبیین ارتباط شرط و جزای آیه ۳ سوره نساء با مرتبط دانستن آن با آیه ۱۲۷ همان سوره، سلیقه‌ای و بدون ضابطه نیست.
- ۲- در این مقاله فرض بر این است که ابتدا آیه ۱۲۷ سوره نساء نازل و در آن اعلام شده که قرار است در کلام خداوند، درباره یتیمان و مادران یتیمان حکمی داده شود. اینکه حکم وعده داده شده در آیه ۱۲۷، در آیه ۳ سوره نساء آمده است، به دلایل زیر فرضیه قابل قبولی است:
الف: عبارت وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ؛ و آنچه در قرآن می‌آید، در آیه ۱۲۷ سوره نساء، این انتظار را در مخاطب ایجاد می‌کند که گویی قرار است ادامه سخن و یا همان فتوای وعده داده شده در این آیه، در جای دیگری از کتاب که همان قرآن است، بیاید.
ب: این دو آیه تنها آیاتی از قرآن هستند که به موضوع یتیمان و مادران آنها پرداخته‌اند.
پ: عبارت وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ در هر دو آیه ۱۲۷ و ۳ سوره نساء آمده است و این تکرار ارتباط این دو آیه را بسیار شدید می‌کند.
- ۳- قانونی که از کنار هم گذاشتن آیات ۱۲۷ و ۳ سوره نساء (به ترتیب) برای چندهمسری به دست می‌آید آن است که:

زمانی که شوهر زنی بمیرد و آن زن کودکان یتیمی داشته باشد که توانایی مدیریت امور مالی آنان را نداشته باشد، تا جایی که مجبور شود سرپرستی

امور مالی آن کودکان یتیم را به عهده مردی بگذارد؛ اگر در این شرایط ویژه، آن مرد نگران رعایت قسط در اموال آن کودکان یتیم باشد، آن مرد سرپرست کودکان یتیم، با وجود اینکه دارای همسر است، اجازه دارد به شرط رعایت عدالت بین همسران، با آن زن بیوه ازدواج کند. این اجازه، تا داشتن چهار همسر با هم وجود دارد. در واقع، جواز چندهمسری برای مراعات بیشتر در امور مالی کودکان یتیم است. با این وجود، آیه ۱۲۹ سوره نساء، با بیان اینکه رعایت عدالت میان همسران ناممکن است، همین اجازه را نیز با نهی شدیدی همراه نموده است.

۴- در حکم به دست آمده برای چندهمسری، ازدواج با مادران یتیمان به صورت عام مجاز نیست؛ ازدواج با مادران یتیمانی مجاز است که مرد از قبل سرپرستی کودکان یتیم آن زن را پذیرفته است. هدف از جواز چندهمسری نیز رسیدگی بهتر به امور مالی کودکان یتیم است و نه حتی نیازهای عاطفی آنان.

۵- در نظریات رایج تفسیری قدیم و جدید، مفسران برای فهم آیه سوم سوره نساء، ناگزیر از تقدیر گرفتن واژه‌ها، مفاهیم و یا جملاتی شده‌اند که برای آنها شواهد کافی در آیه و حتی آیات قبل و بعد آن مشاهده نمی‌شود. این گونه تقدیر گرفتن، در تناقض با فصاحت و بلاغت قرآن است.

از آنجا که ارتباط بین شرط و جزای آیه ۳ سوره نساء، همواره یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات قرآنی بوده است؛ تا جایی که برخی مفسران برای توجیه آن، به فرضیاتی همچون جابه‌جایی آیات و یا از بین رفتن بخش‌هایی از قرآن متوسل شده‌اند، امید است یافتن ارتباط بین شرط و جزای آیه سوم سوره نساء، با لفظ خود قرآن، بارقه امید را در دل پژوهشگران قرآنی، برای فهم قرآن با قرآن، روشن نماید؛

شیوه‌ای که علامه بزرگوار سید محمدحسین طباطبائی و بسیاری از دیگر اندیشمندان شیعه و سنی، برای رواج آن رنج فراوانی برده‌اند.

منابع

قرآن کریم.

اخوان طبسی، محمد حسین؛ داوری، روح‌الله (۱۳۹۷ش). «صورت‌بندی مفهوم عدالت در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی واژه قسط»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال هفتم، شماره ۱، ۱۰۷-۱۲۸.

اسکندرلو، محمد جواد (۱۳۹۳ش). «بررسی تفسیری آیه فَاَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»، مطالعات تفسیری، سال پنجم، شماره ۲۰، ۳۴-۲۵.

امام جمعه، ریحانه؛ نکونام، جعفر؛ عباسی، مهرداد (۱۴۰۱ش). «تبیین فقهی مضمون آیه سوم سوره نساء و بررسی اختلاف نظر در تاریخ گذاری دقیق آن»، مطالعات فقهی و فلسفی، دوره سیزدهم، شماره ۴۹، ۱۸-۱.

امرای، ایوب؛ فریادرس، محسن؛ کامران، مهدی (۱۴۰۱ش)، «بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین درباره عبارات چالش برانگیز آیه سوم سوره نساء و ارزیابی برخی ترجمه‌های فارسی معاصر از آنها»، مطالعات اسلامی زنان و خانواده، سال نهم، شماره ۱۶، ۲۷۳-۲۹۶.

توحیدی، احمدرضا؛ محمدی، زهرا (۱۴۰۰). «نقد و بررسی پدیده چندهمسری از نگاه محمد شحرور با تکیه بر تاریخمندی آیات»، مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، سال هفتم، شماره ۱۳، ۳۲۷-۳۵۴.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش). تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم: اسراء.

حافظی، معصومه؛ قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۹۷ش). «نقد و بررسی دیدگاه‌های مربوط به تعدد زوجات در یرتو اصل معاشرت به معروف»، زن و جامعه، سال نهم، شماره ۳۵، ۱۴۳-۱۷۲.

ارزیابی نظریات رایج تفسیری پیرامون ارتباط شرط و جزا ... / فاطمه سادات حسینی ۷۱

حسینی، فاطمه سادات (۱۴۰۳ش). «ساختار ریاضی وار متن قرآن»، مقالات پنجاه و پنجمین کنفرانس ریاضی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، کتابچه‌ها (اطلاعیه شماره ۳۱)، کتابچه پوستره‌های فارسی، ۹۱-۹۴.

حسینی، فاطمه سادات؛ حسینی جهان‌آباد، بی‌بی زهرا (۱۴۰۰ش). «بازخوانی و تأویل آیات شهادت (گواهی)؛ با تمرکز بر آیه ۲۸۲ سوره بقره»، تأویلات قرآنی، دوره سوم، شماره ۶، ۳۷-۶۵.

حسینی، فاطمه سادات؛ حسینی جهان‌آباد، بی‌بی زهرا (۱۴۰۲ش). «ارزیابی جواز قرآنی ازدواج موقت در آراء تفسیری فریقین؛ با تأکید بر انسجام، نظم شبکه‌ای و فراعصری بودن متن»، دین و دنیای معاصر، دوره دهم، شماره ۱، ۹۷-۶۵.

خانی، محمدرضا؛ حسامی، فاضل؛ عشریه، رحمان (۱۳۹۹ش). «بازپژوهی تحلیلی دلالت آیه ۳ سوره نساء بر اصل تک‌همسری یا چندهمسری»، پژوهش‌های قرآنی، سال بیست و پنجم، شماره ۹۵، ۴۹-۷۰.

راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۷ش). مفردات الفاظ قرآن، ترجمه حسین خداپرست، قم: نوید اسلام. رستمی، محمدحسن؛ ایمانیه، محمدحسن (۱۳۹۷ش). «بررسی تفسیری آیه وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى»، مطالعات تفسیری، سال نهم، شماره ۳۳، ۲۶-۷.

رضایی، حسین؛ میرعرب، فرج‌الله (۱۳۹۸ش). «بررسی شبهات دکتر سها درباره تعدد زوجات در قرآن کریم»، مطالعات علوم قرآن، سال اول، شماره ۱، ۱۱۳-۱۳۲.

رئیزی، مرضیه؛ نفیسی، شادی (۱۴۰۱ش). «نقدی بر ترجمه‌های ساختار شرط در آیه ۳ سوره نساء بر مبنای رویکرد ساختاری»، جستارهای قرآنی و حدیثی مدرس، دوره نهم، شماره ۱۸، ۱-۳۳.

سلطانی‌رنانی، محمد (۱۳۹۸ش)(الف). «بررسی شرایط و زمینه‌های جواز چندهمسری در قرآن کریم»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و پنجم، شماره ۱۱۹، ۱۴۵-۱۶۴.

سلطانی رنانی، محمد (۱۳۹۸ش). «بررسی و نقد نظریه‌های مفسران در بیان وجه ارتباط شرط و جزای آیه سوم سوره نساء»، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، سال پنجم، شماره ۲، ۲۴۶-۲۲۱.

شکرانی، رضا؛ حبیب‌اللهی، مهدی (۱۳۹۴ش). «آیه تعدد زوجات، حکمی مطلق یا مشروط؟»، پژوهش‌نامه زنان، سال ششم، شماره ۱۲، ۹۳-۱۱۷.

شهبازی، محمود؛ شهبازی، اصغر (۱۳۹۲ش). «کارکردهای زیباشناختی ایجاز حذف در قرآن کریم»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال دوم، شماره ۱، ۶۸-۵۵.

صادق‌زاده طباطبایی، سید محمود (۱۳۹۲ش). «تبیین و گستره ظهور و دلالت آیه جواز چندهمسری»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و پنجم، شماره ۴، ۶۳-۴۵.

صفحه، حسین؛ معارف، مجید؛ پهلوان، منصور (۱۳۸۹ش). «استنطاق قرآن»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره ۱، ۱۶۳-۱۳۹.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۰ش). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طیب‌حسینی، سید محمود؛ شیرزاد، محمدحسن؛ شیرزاد، محمدحسین (۱۴۰۱ش). «چالش چندهمسری در گفتمان فکری مدرن؛ بررسی خوانش‌های عصری از آیه نساء / ۳ با تأکید بر المنار، المیزان، من وحی القرآن»، مطالعات قرآنی، دوره سیزدهم، شماره ۵۲، ۶۵-۸۸.

غروی، سعیده؛ بابایی چاپلوقی، زینب (۱۳۹۹). «تحلیل دیدگاه ابوزید و طاهر حداد در مورد تعدد زوجات»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال هشتم، شماره ۴، ۲۰۶-۱۸۵.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۶ش). ترجمه قرآن مجید، تهران: دارالقرآن الکریم «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی».

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۸ش). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کریمی، مصطفی (۱۳۹۸ش). «فرآیند نظریه پردازی قرآنی در حوزه تفسیر موضوعی»، مطالعات قرآن و حدیث، سال سیزدهم، شماره ۱، ۲۱۷-۱۸۹.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۹ش). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

هدایت، شهرام (۱۳۷۲ش). «بحث درباره چند واژه قرآنی از دیدگاه زبان شناسی»، مترجم، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۲۴-۱۵۱.

References

- The Noble Qur'an.
- Akhavan Tabasi, Mohammad Hosein; Davari, Rohollah (2018). "Formulating the Concept of "Justice" in the Holy Qur'an Based upon Semantic Analysis of the Term Qist", *Qur'anic Interpretation and Language*, 7(1): 107-128. DOI: <https://doi.org/10.30473/quran.2018.5215>. [In Persian]
- Eskandarloo, Mohammadjavad (2014). "Commentary Analysis of the Verse "Marry of the Women, Who Seem Good to You"", *Commentary Studies*, 5(20): 25-34. DOR: <http://dorl.net/dor/20.1001.1.22287256.1393.5.20.2.2>. [In Persian]
- Imam Jomeh, Reyhaneh; Nekounam, Jafar; Abbasi, Mehrdad (2022). "Jurisprudential Explanation of the Theme in the Third Verse of Surah Al-Nesā" and Analysis of the Disagreement over its Exact Date", *Jurisprudence and Philosophical Studies*, 13(49): 1-18. [In Persian]
- Amraee, Ayob; Faryadres, Mohsen; Kamran, Mahdi (2022). "Barresi-e Tahlili-ye Ara-e Quran-Pazhoohan-e Farighein darbare-ye Ebarat-e Chalesh-Angiz-e Ayeh Sevvom-e Sure-ye Nisa va Arzyabi-ye Barkhi Tarjomeha-ye Moaser az Anha", *Motaleat-e Islami-ye Zanan va Khanevadeh*, 9(16), 273-296. [In Persian]
- Izadi, Mahdi; Akhavan Moghadam, Zohreh (2014). "The Necessity, Nature and Cross Question's Method from the Perspective of Ahlol Beyt (p. b. u. h.)", *Quran and Hadith Studies*, 6(12): 103-126. [In Persian]
- Tohidi, Ahmadreza; Mohammadi, Zahra (2021). "Critique and Study of the Phenomenon of Polygamy from the Point of View of Mohammad Shahroor Based on the Historicity of Verses", *Studies of Muslims Contemporary Thought*, 7(13): 327-354. [In Persian]
- Jawadi-Amuli, Abdullah (1397 SH). *Tasnim: Tafsir-e Qur'ane-e Karim*. Qum: Isra.
- Hafezi, Masoumeh; Ghazizadeh, Kazim (2018). "Studying and Reviewing the Viewpoints Related to Polygamy Based on the Principle of Sociability", *Woman & Society*, 9(35): 143-172. [In Persian]
- Hosseini, Fatemeh Sadat (2024). "The Mathematical Structure of the Qur'an text", 55th Annual Iranian Mathematics Conference, Ferdowsi University of Mashhad. poster-farsi_2024-08-12_08_49_13: 91-94. [In Persian]

- Hosseini, Fatemeh Sadat; Hosseini Jahanabad, Bibi Zahra (2021). "A Re-examination and Ta'avil of the Verses on Testimony Focusing on Al-Baqarah: 282", *Quranic Interpretations Research*, 3(6): 37-65. DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26767384.2021.6.6.3.0>. [In Persian]
- Hosseini, Fatemeh Sadat; Hosseini Jahanabad, Bibi Zahra (2023). "Rejection of the Only Quran Permit for Temporary Marriage in Quran Exegesis; Emphasizing the Coherence, Network Order, and Trans-historicity of the Text", *Religion and Contemporary World*, 10(1): 65-97. DOI: <https://doi.org/10.22096/rc.2024.2001995.1118>. [In Persian]
- Khani, Mohammad Reza; Hesami, Fazel; Oshriya, Rahman (2020). "Analytical Research on the Denotation of Sūrat al-Nisā to the "Monogamy" or "Polygamy" Principle", *Qur'anic Research*, 25(95): 49-70. DOI: <https://doi.org/10.22081/jqr.2019.53966.2472>. [In Persian]
- Rostami, Mohammad Hasan; Imaniyeh, Mohammad Hasan (2018). "An Exegetic Study of the Verse: And If Ye Fear that Ye Will Not Deal Fairly by the Orphans", *Commentary Studies*, 9(33): 7-29. DOR: <http://dorl.net/dor/20.1001.1.22287256.1397.9.33.1.5>. [In Persian]
- Rezaei, Hossein; Mirarab, Farajollah (2019). "An Examination of Dr. Seha's Doubts about the Multiplicity of Wives in the Holy Qur'an", *Studies of Qur'anic Sciences*, 1(1): 113- 132. DOI: <https://doi.org/10.22081/jqss.2019.68224>. [In Persian]
- Raisi, Marzieh; Nafisi, Shadi (2023). "A Critique on the Translations of the Condition Structure in Verse 3 of Surah al-Nisā' Based on the Structural Approach", *Modares Quranic and Hadith Researches*, 9(18): 1-33. DOR: <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24233757.1401.9.18.5.0>. [In Persian]
- Sultani Rinani, Muhammad (2019A). "Examining the Conditions and Contexts of the Permission of Polygamy in the Holy Qur'an", *Islamic Social Studies*, 25(119):145-164. [In Persian]
- Sultani Rinani, Muhammad (2019B). "Critical Analysis of the Commentators' Views on the Cause-Effect Correlation in Surah An-Nisa: 3", *Comparative Tafsir Studies*, 5(2): 221-246. DOI: <https://doi.org/10.22091/ptt.2019.2718.1280>. [In Persian]
- Shokrani, Reza; Habibolahi, Mahdi (2015). "Polygamy Verse: An Absolute or Conditional Creed?", *Women's Studies*, 6(12): 93-117. [In Persian]
- Shahbazi, Mahmoud; Shahbazi, Asghar (2013). "An Investigation of the Aesthetic Functions of Deletion in the Noble Qur'an", *Linguistic Research in the Holy Quran*, 2(1): 55-68. [In Persian]
- Sadiqzade Tabatabaie, Sayyid Mahmud (2014). "Elucidation and Study of the Expanse of Appearance and Indication of the Aya on the Permissibility of Polygamy", *Fiqh and Usul*, 45(4): 45-63. DOI: <https://doi.org/10.22067/fiqh.v0i0.12038>. [In Persian]
- Safareh, Hossein; Maaref, Majid; Pahlavan, Mansur (2010). "Interrogation of Qur'an", *Qur'anic Researches and Tradition*, 43(1): 139-163. [In Persian]

- Tabataba'ii, Seyyed Mohammad Hossein (1380 SH). Translated by Seyyed Mohammad Bagher Moosavi Hamedani, *Al-mizan Fi Tafsir-e al-Qur'an*, Qum: Daftar-e Entesharat-e Islami.
- Tayeb Hosseini, Seyyed Mahmoud; Shirzad, Mohammad Hassan; Shirzad, Mohammad Hossein (2023). "The Issue of Polygamy in Modern Intellectual Discourse: The Study of Contemporary Readings of Q. 4:3 with the Emphasis on Al-Manār, Al-Mizān and Min Waḥy Al-Qur'ān", *Quranic Studies Quarterly*, 13(52): 65-88. DOI: <https://doi.org/10.30495/qs.2023.1943648.2702>. [In Persian]
- Gharavi, Saeideh; Babaei Chaplaghi, Zeinab (2021). "An Analysis of Abu Zayd's and Taher Hadad's Viewpoints on Polygamy", *Islamic Journal of Women and the Family*, 8(4): 185-206. DOI: <https://doi.org/10.52547/iswf.8.4.185>. [In Persian]
- Fakhr-e Razi, Mohammad Ibn Umar (1420 AH). *Mafatih al-Ghayb*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Fooladvand, Muhammad Mahdi (1376 SH). *Translation of the Holy Qur'an*, Tehran: Dar al-Qur'an al-Karim, Department of Islamic History and Education Studies.
- Gharashi, Seyyed Ali Akbar. (1378 SH). *Qamous-e Qur'an*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Karimi, Mostafa (2019). "The Process of Qur'anic Theorizing in the Field of Subjective Interpretation", *Qur'an and Hadith Studies*, 13(1): 189-217. DOI: <https://doi.org/10.30497/quran.2019.2573>. [In Persian]
- Makarem Shirazi, Naser and Some Others (1379 SH). *Tafsir-e Nemooneh*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.
- Hedayat, Shahram (1372 SH). "Discussing on Some Qur'anic Words from the Linguistic Point of View", *Motarjem*, 3(10): 124-151. <https://motarjemjournal.ir/2020/07/2134>. [In Persian]



پروژیکٹ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی